روزنامهٔ رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل : متن قوانین - تصویبنامه ها - صورت مفصل مذاکرات مجلس شورای ملی

سؤالات - اخبار رسمی - فرامین - انتصابات - آئین نامه‌ها - بخش‌نامه‌ها - آگهی‌های رسمی

شماره تلفن : ۸۸۹۴ - ۸۸۹۵ - ۸۸۹۶ - ۵۴۴۸

سال سوم - شماره ۷۴۵ | مدیر سید محمد هاشمی | ٤ شنبه ۱۸ شهریور ماه ۱۳۲٦

صفحه ۱۹۸۷

دورهٔ پانزدهم قانونگذاری

شمارهٔ مسلسل ۱۴۹۵

مذاکرات مجلس

جلسه ۱۵

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز سه شنبه هفدهم شهریورماه ۱۳۲٦

فهرست مطالب :

۱- تصویب صورت مجلس

۲ -طرح و تصویب ۳دوازدهم بودجه ۱۳۲٦ مجلس

۳- انتخاب دونفر نظار بانك

٤ -تقدیم ورقه سؤالیه نسبت برئیس دولت از طرف آقای کشاورز صدر

٥ -تصویب یك فقره اعتبارنامه وطرح یکفقره دیگر

٦ -موقع ودستور جلسه -ختم جلسه

مجلس دو ساعت وده دقیقه قبل از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید .

۱ - تصویب صورت مجلس

صورت مجلس روز ۱ شنبه پانزدهم شهریور ماه را آقای فولادوند (منشی) قرائت کردند.

صورت مجلس روز یکشنبهٔ پانزدهم شهریور ۱۳۲٦

یکساعت وچهل دقیقه قبل از ظهر روز یکشنبه پانزدهم شهریور مجلس بریاست آقای رضا حکمت تشکیل و صورت جلسهٔ پیش قرائت و تصویب گردید.

اسامی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

غائب با اجازه - آقای دکتر شفق .

غائبین بی اجازه - آقایان : گنابادی - یالیزی تولیت - لیقوانی - تقی زاده - علی وکیلی - خوئیلر

دیر آمدگان با اجازه - آقایان : مهندس رضوی معتمد دماوندی - عبدالله وثوق - دکتر فلسفی - دکتر آشتیانی .

دیر آمدگان بی اجازه - آقایان : بیات - مهدی ارباب - اردشیر شادلو - حسن اکبر - دکتر اعتبار سلطانی - رستم گیو - آقاخان بختیار - منصف - ملك پور - شریعت زاده - اسلامی - مامقانی - دکتر مجتهدی - کلبادی - شریف زاده.

آقای مهندس خسرو هدایت راجع باعتصاب چهار هزار نفر کارگران کوره‌پزخانه که باتصویب شورای عالی کار و اطلاع ادارات مربوطه شروع شده بود شرحی بیان کرده گفتند فرماندار نظامی بوسیله سرباز و ژاندارم و ضرب و جرح وتوقیف اعتصاب آنها را شکسته و روزنامه کارگران ایران را توقیف نموده است وتقاضا نمودند از طرف مجلس رسیدگی و حکومت نظامی لغو و مسببین تعقیب شوند .

آقای عبدالقدیر آزاد بابیان مقدمه‌ئی راجع باحترام قانون گفتند تخلفاتی از آقای قوام السلطنه مشاهده کرده‌اند که بعنوان اعلام جرم بعرض مجلس می رسانند .

آقای رئیس اظهار نمودند که اعلام جرم باید مطابق قانون محاکمهٔ وزراء بکمیسیون عرایض احاله و گزارش آن کمیسیون در مجلس قرائت شود، دو سابقه نیز راجع به آقای منصور وافشار بهمین طریق بکمیسیون رفته است و ماده مربوطه راجع بتعقیب وزراء از طرف مجلس قرائت گردید .

آقای آزاد اوراق تنظیم شدهٔ اعلام جرم را بریاست مجلس تقدیم ودرطی توضیحاتی موارد تخلفات را بچند موضوع خلاصه نمودند : یکی صدور تصویبنامه درسال ۱۳۲۱ راجع بمنع خروج پیله - یکی دستگاه چای خشك کنی وزارت کشاورزی که در لاهیجان بکار برده شده . یکی قضیه هفدهم آذر - یکی تصویبنامه هائی که بر خلاف اصل چهارم قانون اساسی صادر شده - یکی قرضه از امریکا وموضوع دیگر قرارداد نفت درینموقع بعلت اعتراض شدید نمایندگان آقای آزاد از ادامه توضیحات انصراف جسته گفتند چون چندسال درحبس وشکنجه بسر برده‌اند تعهد کرده‌اند علیه هرگونه ظلم وخلاف قانونی مبارزه کنند .

آقای فرامرزی با بیانی راجع بحق صحبت اقلیت و موارد ابستر و کمیسیون نسبت به بیانات آقای مهندس خسرو هدایت در اطراف اعتصاب کارگران کوره پزخانه گفتند این اعتصاب از طرف کارگران نبوده بلکه مربوط بمقاطعه کاران است و تقاضای آقای هدایت را برای دفاع از حقوق کارگران تأیید نمودند که باید از طرف مجلس معین و رسیدگی شود و راجع بتوقیف روز نامه کارگران نیز معتقد بودند باید کاری کرد که روز نامه بدون حکم

روزنامهٔ یومیه

فهرست مندرجات

۱ - صورت مشروح مذاکرات پانزدهمین جلسه دورهٔ پانزدهم از صفحهٔ ۱ تا ۸

٤ - آگهی‌های رسمی « ۹

● عین مذاکرات مشروح پانزدهمین جلسه از دورهٔ پانزدهم قانون گذاری

ادارهٔ تند نویسی و تحریر صورت مجلس

قانون توقیف نشود و سپس راجع بحکومت نظامی که هنگام جنك فقط درممالك تحت‌الحمایه ومستعمرات بر قرار بوده توضیحاتی دادند و بیان عقیده نمودند که دولت فقط برای توقیف روز نامه ها و اشخاص حکومت نظامی را نگهداشته است ومجلس باید رأی دهد که حکومت نظامی برچیده شود .

آقای رئیس اظهار نمودند قریباً حکومت نظامی الغاء خواهد شد .

آقای مهندس هدایت در پاسخ آقای فرامرزی توضیحاتی دادند و آقای رحیمیان با قرائت ماده ۱۱۲ نظامنامه راجع بآقای آزاد گفتند که نماینده محدود نیست و می تواند نظر خودرا بیان کند.

آقای صدر زاده با اشاره به بیان آقای تولیت نسبت بامر ونهی آقای آیة‌الله بروجردی موضوع مذاکره آقای عباس اسکندری مندرجه در روزنامهٔ رسمی گفتند عبارت نارساست زیرا روحانیین درامور اجتماعی مداخله دارند و مصالح امور را ملاحظه میکنند و سپس بلزوم رعایت تمایلات مردم واصلاح قانون انجمنهای ایالتی و قانون مطبوعات با رعایت اصل بیستم و اصل نهم قانون اساسی عطف سخن نموده گفتند قوانین فعلی ما کافی نیست و باید در اصلاح واجرای قوانین اقدام شود و بعد باصل دوم ومتمم قانون اساسی راجع بحضور علماء طراز اول در مجلس و تطبیق قوانین موضوعه با دیانت اسلام اشاره نموده معتقد بودند که باید مورد توجه قرار گیرد .

آقای کشاورز صدر راجع باعتصاب کارگران واقدامات حکومت نظامی گفتند کارگرها مقصر نبوده‌اند وباید تحقیق شود مداخله حکومت نظامی مبتنی بر چه دستوری بوده است وراجع بکمیابی نان توضیحاتی داده تقاضا نمودند از دولت سؤال شود با خوبی محصول ووجود ذخیرهٔ کافی درسیلو علت وضع فعلی نان چیست؟ همچنین در الغاء حکومت نظامی و رفع توقیف از جراید تقاضا داشتند که ازطرف مجلس اقدام شود. در اینموقع آقایان حاذقی و رضوی پیشنهاد نمودند مجلس وارد دستور شود و آقای حاذقی نیز در باب نطقهای قبل از دستور توضیحی دادند و آقای مکی مخالف بودند وراجع بتعدیل مال‌الاجاره و قانون کیفر گرانفروشان و الغاء حکومت نظامی صحبت نمودند وسپس ورود بدستور تصویب ومراسم تحلیف آغاز شد.

آقایان ابوالقاسم امینی - غضنفری - معین زاده لاهوتی - وثوق - نورالدین امامی - ارباب گیو - رحیمیان - حاج آقا رضا رفیع - کامل ماکوئی - محمد ذوالفقاری - دکتر معظمی ومنصف قسمنامه را قرائت و امضاء نمودند .

ساعت ۱۲ ظهر ختم جلسه اعلام وجلسهٔ آینده بروز ۳ شنبه هفدهم موکول ودستور مراسم تحلیف وطرح اعتبارنامه ها و انتخاب نظار بانك مقرر شد .

رئیس - نسبت بصورت جلسه اعتراضی نیست؟ آقای کشاورز صدر نسبت بصورت جلسه است ؟

قبادیان - بنده هم راجع بصورت جلسه عرضی داشتم .

کشاورز صدر - بلی راجع بصورت جلسه است .

رئیس - بفرمائید .

کشاورز صدر - بنده خواستم عرض کنم که توضیح بنده راجع بکارگران کوره‌پزخانه‌ها بطور اختصار نوشته شده است در صورت مجلس و آن مقصودی که بنده داشتم درصورت مجلس منعکس نشده است این است که بنده میخواهم اجازه بگیریم مطلب رامختصراً بعرض آقایان برسانم وآن اینست که ازاظهارات جناب آقای فرامرزی وآقای مهندس هدایت بنده استنباط کردم که تقصیر کارگرها نیست مقصود اینست که آقای مهندس هدایت اینطور معتقد بودند وتوضیح دادند ودر جرایدهم منعکس بود که حکومت نظامی رفته و کارگران کوره پزخانه هارا علاوه براینکه تصمیم شورایعالی کار را درباره شان اجرا نکرده‌اند آنهارا باسرنیزه زده‌اند ومجروح هم کرده‌اند وآقای فرامرزی فرمودند باینکه ...

رئیس - این راجع بصورت جلسه نیست در بیانات شما اگر تعریف کردند تذکر بدهید.

کشاورز صدر . بنده عرایضی کردم ولی درصورت مجلس توضیح داده نشده .

رئیس - این صورت جلسه مختصر است اگر مفصل هم باشد آقایان اعتراض میکنند .(نمایندگان - صحیح است) . کجرا صورت جلسه مفصل نوشته شده.

کشاورز صدر - اطاعت میکنم آقا، یکی هم راجع بجرایدبود که خیلی مؤثر است این عرض بنده وتقاضا میکنم درصورت مجلس قید بشود وبنده راجع بروزنامهٔ مردامروز درجلسهٔ گذشته وراجع بروزنامهٔ قیام ایران و عموم روزنامه های توقیف شده در چند جلسه صحبت کردم و این موضوع را تقاضا میکنم که ذکر بکنید که اعتراض بنده بحکومت نظامی است اگر جرمی مرتکب میشوند بدادگستری بفرستند آخر اینطور که نمیشود ، با سر نیزه که نمیشود روزنامه را توقیف کرد اگر چیزی نوشته است باید برود در عدلیه محاکمه بشود ومحکومش بکنند تقاضا میکنم این موضوع در صورت مجلس قید بشود .

رئیس - اصلاح میشود ، آقای قبادیان .

قبادیان - بنده عرض مختصری داشتم که راجع بصورت جلسه است .چون آقای پالیزی را بعنوان غایب بی اجازه نوشته‌اند ، آقای پالیزی مدتی است که مریض هستند (صحیح است) و مبتلا بحصبه شده اندوحالا هم هنوز کاملا معالجه نشده‌اند خواستم ایشان را در صورت جلسه غائب بدون اجازه قید نفرمائید چون ایشان از بنده خواهش کرده اند که تذکر بدهم.

رئیس — اصلاح میشود . آقای محمد علی مسعودی نسبت بصورت جلسه اعتراضی دارید ؟

محمدعلی مسعودی - عرض کنم حضور مبارك ، بنده درجلسهٔ قبل اجازه خواستم و شرحی هم نوشته بودم نوبت بمن نرسید ولی امروز گفتند آقایان اجازه کتبی خواسته اند بنده تا حالا اندیده‌ام در مجلس سابقه داشته باشد که برای نطق قبل از دستور اجازه کتبی خواسته باشند حتی وقتی که خود بنده در هیئت رئیسه موقت بودم چند نفر اجازه کتبی خواسته بودند و جنابعالی فرموده بودید که نمیشود .

رئیس - هم کتبی بود وهم شفاهی.

محمدعلی مسعودی - خواستم عرض کنم دستور بفرمائید که این تبعیض‌ها نشود.

رئیس - تبعیض نشده است ، کتبی و شفاهی هر دو خواسته شده است و باید در مجلس اجازه بخواهند بعد از این هم همینطور مراعات میشود آنروز هم نوبت شما نرسید ، دیگر اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد) صورت جلسه روز ۱ شنبه تصویب شد.

۲ - طرح و تصویب ۳ دوازدهم بودجهٔ ۱۳۲۶ مجلس

رئیس - گزارشی از کارپردازی مجلس رسیده با قید فوریت که باطلاع آقایان میرسد.

(طرح پیشنهادی اداره کارپردازی بشرح زیر قرائت شد)

ساحت محترم مجلس شورایملی

نظر باینکه تهیه وتدوین بودجهٔ تفصیلی سال ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی وجریان آن از کمیسیون محاسبات و مجلس شورای ملی فرصتی کافی لازم دارد از طرفی پرداخت هزینه های ضروری مجلس شورای ملی مستلزم قانون خاص است لذا برعایت هردو نظر ماده واحدهٔ زیررا باقید یك فوریت تقدیم وتمنای تصویب دارد .

ماده واحده - مجلس شورای ملی بکارپردازی مجلس اجازه میدهد معادل ۳ دوازدهم بودجه سال ۱۳۲۵ مجلس شورای ملی مصوب ۱۶ اسفند ۱۳۲۴ را بابت حقوق وهزینه سه ماهه امرداد، شهریور و مهر ۱۳۲۶ مجلس شورای ملی از وزارت دارائی دریافت و مطابق مقررات بپردازد و بودجه سال ۱۳۲۶ را نیز سریعاً تهیه وتقدیم نماید .

رئیس — آقای ملك‌مدنی .

ملك مدنی — بنده با فوریت این لایحه موافقم والبته ضرورت هم دارد که کارپردازی مجلس این تقاضارا کرده است ولی میخواستم یك تذکری بدهم بآقایان کار پردازها که درفترتی که پیش آمد کرد و مجلس کارهائی داشته است البته آقایان متذکر هستند که یك گزارش از این کارها باید بعرض مجلس برسد که مجلس از جریانات مسبوق و مطلع باشد ،میخواستم تقاضا کنم که آقایان هرچه زودتر این گزارش را تهیه کنند که همیشه آنطوریکه معمول بوده کارمجلس همیشه مقدم بوده ویك نظم وترتیبی داشته، البته کارپردازان گذشته ومتصدیان سابق هم کارهاشان خوب بوده ، قصدم انتقاد از آنها نیست و خودم هم تقدیر میکنم اعمال آقایان راولی مجلس باید از جریانات مطلع باشد وحالا که فرصت هست باید بعرض مجلس برسد .

رئیس — فوریت مطرح است ، کسی با فوریت مخالف نیست ؟ (اظهاری نشد) پس رأی میگیریم بفوریت این گزارش که رسیده (یکی از نمایندگان — فوریت اول) این لایحه چون مالی است یك فوریت دارد ، بفوریت این گزارش رأی می گیریم آقایانیکه موافقند قیام کنند. (اکثر برخاستند) تصویب شد . رأی گرفته میشود بخود گزارش ،

اردلان - بنده مخالفم .

رئیس - آقای دکتر معظمی .

دکتر معظمی - ایشان مخالف بودند بنده موافق هستم .

رئیس - پس باین ترتیب نوبت آقای امیر تیمور است .بفرمائید آقای امیر تیمور .

امیرتیمور - درصورتیکه اداره کارپردازی وجود ۳ دوازدهم را لازم بداند بنده مخالفت شدیدی ندارم ولی بهتر بود بجای ۳ دوازدهم بودجه سال ۱۳۲۶ را تدوین و بمجلس تقدیم میکردند زیرا حالا یکمرتبه این لایحه ۳ دوازدهم و یکمرتبه دیگرهم موقعی که بودجه سال ۱۳۲۶ مطرح می شود وقت مجلس گرفته میشود در صورتیکه همیشه عمل مجلس شورای ملی و مخصوصا بودجه مجلس شورای ملی سرمشق برای کشور بوده و بهتراست که ما بجای توسل به ۱ دوازدهم و ۲ دوازدهم و ۳ دوازدهم، بودجه سالیانه مجلس را یکجا ودربست تصویب بکنیم که هم از وقت صرفه جوئی کرده باشیم یعنی وقت مجلس بی جهت اشغال نشود وهم سرمشقی برای کشور باشد. دو کلام هم بنده از فرصت استفاده میکنم و باستحضار آقایان کارپردازان محترم میرسانم که در آخر دوره چهاردهم موقعی که بودجه سال ۱۳۲۵ مجلس تقدیم مجلس شده بود بنده پیشنهادی تقدیم کردم و مورد توجه مجلس شورای ملی هم قرار گرفت و مجلس تصویب کرد که از محل صرفه جوئی های بودجه سال ۲۴ و ۲۵ و بودجه های قبل صورت مذاکرات مشروح ادوار اول و دوم و سوم وچهارم و پنجم و چند جلسه از دوره ششم مجلس شورای ملی که طبع و نشر نشده ونسخه منحصر در بایگانی مجلس شورایملی موجود است طبع و نشر بشود و دردسترس عموم گذاشته بشود ، علت این پیشنهاد هم این بود، برای اینکه تاریخ سیاسی کشور ایران راصورت مذاکرات مجلس شورای ملی تشکیل میدهد این پیشنهاد مورد توجه مجلس واقع شد و مجلس هم موافقت کرد و بنده در موقعی که مشهد بودم معلوم شد دوره اول مذاکرات مجلس را هم که کارپردازی طبع کرده است و برای بنده هم یك نسخه فرستاده بودند که بسیار خوشوقت شدم امااز آن ببعد ازطبع مذاکرات ادوار بعدی اطلاعی ندارم اینجا هم یکروز بگوشم رسید که شاید یك اشکالاتی پیش آمده در صورتیکه باصراحتی که پیشنهاد بنده داشت وباصراحتی که مجلس شورایملی اخذ تصمیم کرد و اجازه داد که صورت مذاکرات مجلس ازمحل صرفه جوئیهای مجلس طبع و توزیع بشود دیگر هیچگونه اشکالی باقی نمیماند و خواهش میکنم که کارپردازان محترم یك شمه‌ای هم توضیح وهم اطلاع به بنده بدهند که همانطور که مجلس شورایملی تصویب کرده اینکار بزودی بمرحله عمل خواهد رسید دیگر بنده عرضی ندارم .

رئیس - آقای ابوالقاسم امینی.

امینی - مطلبی که نمایندهٔ محترم طرح فرمودند بمن اجازه میدهد که به ایشان بشارت بدهم که نظر محترمشان البته اجرا شده است و قسمتی از مذاکرات طبع شده ولی الان چون چاپخانه گرفتار طبع فرهنك دهخداست یك کمی تأخیر شده است ولی بزودی باضافه کردن حروفچین این عمل قطعاً خواهدشد وجلد شده تقدیم میشود اما فرمودند راجع بسه دوازدهم و چرا تمام بودجهٔ تفصیلی نیامد همانطور که در انتهای ماده واحده بعرض نمایندگان محترم رسیده است برای تنظیم بودجه وتدقیق دراینکار ورفتن این قضیه بکمیسیون محاسبات ووقت کافی از آقایان استمهال کردیم و مخصوصاً خوشبختانه قید کردیم که بزودی بودجهٔ مجلس تقدیم خواهدشد. واما چرا آن ایامیرا که مجلس تعطیل بود آن بودجه را جزء این نیاوردیم وبعنوان سه دوازدهم آوردیم برای این بود چیز هائی که در تصویب نامه هاهست وتمام در مملکت عملی شده است وهمانطور بایستی در بودجه مجلس شورای ملی هم عملی بشود این بود که این ۳ دوازدهم منهای ماهی ۹۲ تومان عیناً طبق بودجه مصوبه ۱۳۲۵ که تصویب شده است ودر غیاب مجلس البته بآن عمل شده تقدیم شده است وچون احیاناً نظر این بود که درکلیه بودجه مملکت آنچه که درغیاب مجلس عملی شده بحث و مذاکره بشود و بعداً تصویب بشود بهمین دلیل آن قسمت از بودجه راکه راجع بایام تعطیل مجلس بود آن را در بودجه ذکر نکردیم و از مرداد ببعد را اینجا آوردیم وبنده اطمینان کامل بآقایان میدهم که نظر کارپردازان محترم و کمیسیون محاسبات دقت کافی وکامل دربودجه است واین را میخواستم مخصوصاً متذکر بشوم چون بعضی از آقایان نمایندگان حقوقشان را نگرفته اند بعلت اینکه باید مجلس تصویب کند میگویند تا مجلس تصویب نکرده ما حقوق مرداد را نخواهیم گرفت (صحیح است) برای این که مبادا احیاناً فرض باین شود که تصویب نامه ها قابل اجراء نبوده است ، بهر طریق برای اینکه عدهٔ از آقایان حقوق نگرفته اند و چون درخواست برای خزانه داری رفته است باید حتماً تصویب بکند بنده استدعایم از حضور آقایان اینست که امروز این قضیه را تمام بکنید که کارمجلس را کدنماند .

اردلان - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید .

اردلان - این مادهٔ واحده‌ای که آقایان کارپردازان محترم پیشنهاد فرمودند مبنی برپرداخت ۳ دوازدهم مرداد و شهریور ومهرماه امسال مطابق بودجه سال ۲۵ که تصویب شده است در دوموضوع نظر بنده را تأمین نمیکند بنا براین بنده باین جهت مخالف هستم و حالا این دوموضوع را عرض میکنم خدمت آقایان نمایندگان محترم ، توجه بفرمائید که در بودجه ایکه میآید به مجلس این دو موضوع را در نظر بگیرند، موضوع اول مربوط بحقوق نمایندگان است البته برای بنده حقیقة مشکل است بحث کردن در اینجا ولی وظیفه من بمن حکم میکند این مطلب اصولی که دارم بیایم اینجا عرض کنم (صحیح است) من درمجلس چهاردهم عرض کردم اگرما بهر نمایندهٔ ماهی ششصد تومان حقوق بدهیم این حقوق کفاف معیشت اورا نمیکند و بالمآل مجلس شورای ملی که باید نماینده عموم ملت ایران باشد مجلس ثروتمندان خواهد شد و من اصولا برای اجتناب ازاینکه باین قضیه برسیم مخالفت کردم و آقایان کارپردازان در آن موقع وعده دادند و گفتند درست میکنیم و درست نکردند باین لحاظ بنده بایستی توضیح عرض کنم و این را هم عرض میکنم که بنده بهیچوجه مخالف ثروت نیستم و یکی از آرزو های من این است که ما وضعیت اقتصادی کشورمان راطوری درست بکنیم که تمام افراد کشور ما متمول بشوند ولی فرق است بین آرزو و حقیقت ، حقیقت قضیه این است که شاید ده در صد از اهالی کشور ما باشند که از عایدات خودشان معاش خودشان را بتوانند بدهند و یك چندی هم پس انداز بکنند ۹۰ در صدشان چه فقیرند که هیچ تکافو نمیکند و چه آنهائی که کسر خرج دارند، بنا بر این اگر ما اختیار قانون گذاری مملکت را بدهیم بدست آن اقلیت یك راه خطائی پیموده‌ایم و باید ماراه را باز بگذاریم که اگر اشخاصی واجد شرایط نمایندگی هستند بتوانند شرکت در انتخابات بکنند نه این که بمناسبت این که این حقوق کفاف معیشت این ها را نمیکند نتوانند حالا بنده عرض خودم را متکی بارقام میکنم درسال ۱۳۱۵ حقوق نمایندگان مجلس شورای ملی در ماه سیصد تومان بوده بانك ملی ایران یك مجله بسیار سودمندی نشر میدهد که بسیار مسائل سودمندی دارد وعلاوه برآن یك شاخص هزینهٔ زندگی هم در آن منتشر میکند که اگر ما این مجله رابگیریم مطالعه کنیم یك مطالب سودمندی عاید ما میشود و ما اگر در نظر بگیریم که حقوق یك نفر نماینده مجلس شورای ملی در سال ۱۳۱۵ سیصد تومان بوده در آن موقع واحد هزینه زندگانی را صد قرار بدهیم چنانچه بانك ملی ایران قرارداده در اردیبهشت امسال و همین حالا هم هزینه زندگی ۸۰۴ است یعنی صدش هشتصد و هشت برابر شده است بنا بر این اگر ما آنوقت سیصد تومان حقوق میدادیم و فرض کنیم که در آن تاریخ آن حقوق کافی برای معیشت یك نفر نماینده بوده امروز بایستی دوهزار و پانصد تومان حقوق به نمایندگان بدهیم ولی بنده در نظر ندارم که مجلس شورای ملی امروز این مبلغ را بنمایندگان بدهد اما این موضوع یك موضوع اصولی است که عرض کردم و این را هم باید عرض کنم که اگر اشخاص داوطلب برای نمایندگی باشند سدی ما برای آنها ایجاد نکرده باشیم و حالا اگر ما سه دوازدهم را تصویب بکنیم بنمایندگان مجلس شورای ملی ماهی ۶۰۰ تومان پس از وضع کسور بازنشستگی که اغلب از آقایان مستخدم دولت هستند خواهیم داد بعضی از آقایان استاد دانشگاه هستند که بایستی درس بدهند هم باید درسشان را بدهند و هم مطابق قانون حقوقش را هم نگیرند وضمناً یکی از آقایان نمایندگان ببنده تذکر دادند که حقوقشان کمتر از آن میزانی بوده که سابقا میگرفته‌اند ، البته ساده ترین و سهل ترین راه این است که ما بگوئیم اگر حقوق یك نماینده کفایت معیشت او را نمیدهد بهتر این است که استعفاء بدهد برود ، اگر این نظریه مطابق مصلحت مملکت بود من حرفی نداشتم ولی همانطور که عرض کردم آنوقت جایگزین آنها اشخاصی خواهند شد که یا تمکن مالی دارند یا خدای نکرده (بنده هرگز این نیت را امیدوارم کسی نداشته باشد) از راه راست منحرف بشوند و در هر دو صورت بضرر مملکت است ، این است که از آقایان کارپردازان محترم تمنا میکنم این موضوع را در نظر بگیرند و بنده حاضرم رأی بدهم بسه دوازدهم مشروط بر اینکه همانطور که عرض کردم موضوع را درنظر بگیرند و برای این سه ماه و همچنین برای آتیه جبران

این موضوع را بکنند ونه اینکه به‌بودجه مملکت هم یك تحمیل زیادی شده باشد و این موضوعی را که بنده نظرم هست مطرح شود ، و اما مطلب‌دومی که برای بنده موجب نگرانی است و عرض کردم مخالفت بنده روی آن است یك موضوع دیگری است که باید بعرض آقایان نمایندگان برسانم ، در ضمن همین سه دوازدهم که ما امروز میخواهیم‌رأی بدهیم یك مبلغی بناءداره بازرسی مجلس شورای ملی منظور شده و بنده مخالفت با اداره بازرسی ندارم ولی عرایض من متوجه باین قسمت است که هیئت رئیسه مجلس شورای‌ملی وآقایان کارپردازان البته هر دستوری ببازرسی بدهند بازرسی مجبور است اجرا بکند ولی امروز این اداره و این دستگاه که مبلغ گزافی در ماه بآن پرداخت میشود عملا یك کاری انجام میدهد و آن این است که‌رابطه مجلس را با مردم قطع میکنند یعنی تمام اشخاصی راکه بامجلس کاردارند برای آنهایك سد محکمی درست میکنند وجلوی آنها را میگیرند و نمیگذارندمردم حرف خودشان رابزنند (امینی-خیر اینطور نیست .) شمااگر بیك وزارتخانه کار داشته باشید ازدروزارتخانه‌شمارا هدایت میکنند ... (ملك مدنی -تقصیر اداره بازرسی نبوده است کارپردازان دستور داده‌اند.) عرض کنم کارپردازان‌دستورداده‌اند ولی‌بنده مخالفم(ملك‌مدنی-به‌بازرسی‌چه‌مربوط‌است؟) بگذارید تاآخرش برسد ، اگرشما دریك‌وزارتخانهٔ کارداشته باشید شمارا راهنمائی میکنند و از درب وزارتخانه میبرند به‌اطاق رئیس یااطاق‌آن‌کار ،ولی الان درمجلس شورای ملی اگر کسی با نمایندگان کارداشته باشد این‌اداره که‌اداره بازرسی است او را بیرون میکند و از طرف کارپردازی امروز یك بخشنامهٔ چاپی‌بآقایان نمایندگان محترم داده‌بودند که ماتصمیم گرفته‌ایم کازورود اشخاص بمجلس‌شورای ملی منع‌بکنیم. اگرمقصود این‌است که این اشخاص نتوانند بیایند بانمایندگان ملاقات کنند ،خوب‌کاری ندارد قراولان مجلس راعوض دونفر ده‌نفر میکنیم واین‌کار راانجام میدهیم لازم نیست که این پول را مابپردازیم بنده خودم باکارپردازی صحبت کردم و گفتند که اگر آزاد بگذاریم اشخاصی که وارد مجلس میشوند ممکن‌است‌بین آنها چاقوکش باشد. بنظر بنده این‌حرفها درست نیست وانشاءالله‌هیچوقت چاقوکش نبوده‌ونیستند مجلس‌خانه‌مردم است، مأمن کاه‌مردم است باید هر کسی کار دارد بانمایندگان مجلس باید همان دستگاه بازرسی که امروز ما بآن حقوق می دهیم آنهارا راهنمائی بکندوبیاورد در اطاق انتظار نگاهدارد وداته دانه‌با وکلاحرف خودشان را بزنند نه این که سدی بسازند بنابراین بنده خواهش میکنم که اگر ما بوجود این اداره احتیاج داریم این اداره را بنفع مردم بکماریم نه اینکه مانع‌شویم اشخاصی که با نمایندگان کاردارند جلوگیری از آنها بکنند .

رئیس - آقای آصف .

آصف - عرض کنم‌در جلسهٔ‌سابق و اسبق‌بنده اجازه خواسته بودم نمیدانم بچه علتی بایگانی شده خواهش میکنم بعداز این مذاکرات آقایان‌موافقت بفرمایند که چند کلمه‌ای عرض کنم .

رئیس - پس مربوط باین موضوع نیست ، آقای مهندس رضوی .

مهندس رضوی - اجازه میدهید جواب آقای اردلا را بدهم مطالب لازمی است که بایستی توضیحاتی بدهم. عرض کنم فرمایشهای همکارمحترم آقای‌اردلان بسیار منطقی‌بود ولی بنده برای‌روشن شدن ذهن آقایان نمایندگان محترم نسبت بآنچه فرمودند مختصرا توضیح میدهم . در قسمت حقوق خود بنده هم موقعیکه افتخار کارپردازی مجلس شورای ملی را پیدا کردم باین فکر افتادم کاساساً کارپردازی یعنی‌شخص یااشخاصی که مأمورورسیدگی بوضع داخلی مجلس است منجمله بوضع نمایندگان و همکاران خودشان هم باید رسیدگی بکنند وبنده بخوبی اطلاع دارم که بسیاری از نمایندگان که از ولایات تشریف آورده اند و در تهران اقامت‌دارند وضع زندگانیشان خوب نیست و هیچ لازم‌بتوضیح نیست که این مبلغ برای مخارج آنها ابداً کفاف نمیدهد ، در عین حال اغلب نمایندگانی هم هستند که‌وسعت زندگانیشان بیشتر است واحتیاجی ندارند. در هر حال در نظر گرفته ایم بامقایسه‌با حقوقهائی که در ادوار سابق مجلس و حقوقهائی که در ادوار مختلف در داخل مجلس و در خارج در ادارات دیگر (از حیث حقوق) پرداخت شده یك جدولی تهیه بکنیم و باستناد آن انشاء الله بدون این که برمجموع‌بودجه‌مجلس هم چیزی افزوده شودبتوانیم حقوق کافی‌تری البته‌نه حقوق کاملا کافی ، چون‌امروز وضع‌زندگانی یك طوری است که با حقوق نمیشود کفایت زندگانی کامل یکنفر کارمند را کرد ولی‌تا حدودی که بتواند با قناعت زندگی بکند مااین‌کار را تأمین بکنیم و البته بسته خواهد بود بتصویب مجلس شورای ملی درآینده وموقعیکه این بودجه جدید بمجلس‌بیایداین موضوع را ما رعایت‌خواهیم کرد که از اول دورهٔ تقنینیه قابل اجرا باشد البته‌با تصویب مجلس شورای ملی . اما در قسمت دوم فرمایش ایشان راجع به بازرسی بنده ناچارم یك توضیحی بدهم . چون اغلب از همکاران محترم و جرائد یك توجهی در خارج باینموضوع کرده اند و یك وضع خاصی جلوه داده اند حالا ما ملاحظه کردیم که دراین مجلس و راهروها آقایان‌تماشاچی ها ویکعده‌از کسانیکه‌کار با آقایان نمایندگان‌دارند و یا آقایان روزنامه نگاران تشریف میاورندوغالباً خودشان هم موفق بدیدن نمایندگان و بخصوص انجام آن‌کاری که‌لازم است نمیشوند در عین حال مانع انضباط و مانع ترتیب و نظم محوطه مجلس شورای ملی هم بودند این قسمت را هم آقایان ملاحظه فرموده اند ولی بنده خیال میکنم رابطه مردم با مجلس یك رابطه بزرگتر و معنوی تری است و خیال میکنم کهاین اشخاصی که با نمایندگان واقعاًکار دارند بسیاری‌از آنها بایشان‌رافقروفلاکت بطوری‌بسته است که اساساًنمیتوانند بمحوطه‌مجلس بیایند و امیدواریم که انشاءالله ماطوری‌رفتار کنیم که نشان بدهیم آن رابطه برقرار است و برای آنها یك اقداماتی بکنیم بدون اینکه در محوطه باشند ما برای آنها انجام وظایف ملی خودمان را کرده باشیم و بوظایف خودمان اقدام کرده باشیم و برای این که آقایان نگرانی از این موضوع نداشته باشند درخارج درورودی ازطرف خارج‌یك اطاقهائی تنظیم شده است وجدا کرده ایم قسمت بانوان ،قسمت روزنامه نویسان وباقی آقایان را و البته کسانیکه فرمایشی و یا کاری بیکی از آقایان وکلا داشته باشند ممکن است یاد داشتی بدهند و آن آقای‌وکیل هم درصورتیکه وقت داشته باشدو مایل‌باشد میتوانند تشریف برند وباموکل‌خودشان ملاقات بکنند و اگر لازم شد برای هر نوع کاری ایشان وارد مجلس شوند بعداً ترتیبی هم برای‌این کار خواهم داد. بهر حال منظور حفظ انتظام و انضباط مجلس است وبنظر بنده مجلس متعلق‌بمردم است و اولین کسانیکه باید طرفدارانضباط وانتظام مجلس باشند خود مردمند وبنده یقین‌دارم که‌آقایان روزنامه نگاران وتماشاچیان عموماً خواه آنهائیکه امروز حضور دارندو خواه آنهائیکه روزهای قبل بوده‌اند وگله‌مند شده‌اند و خواه آنهائیکه خواهند آمد خودشان قدر این‌خدمت مارا خواهند دانست ومتوجه خواهندشد که‌منظور مااحترام‌مجلس واحترام مردم هریك بنوبه خود بوده است .

اردلان -- خلاف انتظامی دیده‌نشده است.

رئیس-ازطرف‌آقای دهقان پیشنهادی‌راجع بکفایت مذاکرات رسیده است (صحیح است)

دکتر معظمی - بنده باکفایت مذاکرات مخالفم .

رئیس- آقای دهقان .

دهقان - بنده گمان میکنم بقدر لزوم در اطراف لایحه تقدیمی صحبت شدوآقایان کارپردازها توضیحات لازم دادند و برای اینکه انجام وظایف دیگر راهم بتوانیم بکنیم‌بعقیده‌بنده دیگرمذاکرات کافی است ودر کفایت مذاکرات رای بگیرید .

رئیس-آقای دکتر معظمی.

دکتر معظمی -- مخالفت بنده با کفایت مذاکرات برای این‌است که‌دوسه کلمه لازم است . چون در زمان غیبت مجلس بنده با دو سه نفر از آقایان متصدی امور کارپردازی بودیم بعرض‌مجلس برسانم . آقای ملك‌مدنی فرمودند که گزارش ایام فترت باید تقدیم بشود البته این تذکر بسیار بجا است وگزارش هم تهیه شده و تقدیم مقام ریاست خواهد شدوبعداً بعرض‌آقایان خواهد رسید . آقای امیر تیمور هم راجع بقسمت دیگری که بسیار بجا است شرحی‌فرمودند. - درایام‌فترت‌منظورنظرایشان اقدام وتأمین شده و مرتباً اینصورت جلسات ادوار قدیم استنساخ‌وچاپ‌شد . تا اینکه مجلس افتتاح شد والبته چون مجوز قانونی ما نداشتیم باینکه ادامه بدهیم این قسمت مذاکرات را، این بود که وقتی مجلس شورای‌ملی افتتاح‌شد مذاکرات این ادوار باین جهة معوق ماند . البته این قسمت‌را هم ممکن است پیشنهادبفرمائید کهاقدام‌بکنند و ادامه بدهند. مطلب دیگراین است که درغیاب‌مجلس استقلال مالی و اداری مجلس کاملا محفوظ شد و اینکه اشاره فرمودند بتصویب‌نامه ها، ابدا در مجلس تصویب - نامه‌هائیکه در خارج صادر شد عملی نشد در اینجا البته بمستخدمین‌ظلم شد ولی بهر حال عملی نشد و گزارش آن بعداً بعرض مجلس‌شورای ملی خواهد رسیدوالبته‌بکارمندان‌مجلس‌هم‌بایددراینموردتوجه‌بشود

هم چنین میخواستم عرض کنم که کارمندان مجلس و کارمندان و کارگران چاپخانه و ادارهٔ روز نامهٔ رسمی در ایام فترت درنهایت شرافت وصمیمیت‌انجام وظیفه کرده اند (صحیح است) ..

رئیس - آقای امینی یکتوضیحی دارندچون عضو کارپردازی هستند بفرمایند .

امینی -- بنده فقط توضیحم راجع بیك‌اشتباه لفظی بود ، چون آقایان نمایندگان حقوق نمی گیرند و مقرری میگیرند و لفظ حقوق مخصوص مستخدمین است حتی ملاحظه فرموده اند که در محاسبات کمك مقرری نوشته شده است بنا بر این با حقوق اشتباه نشود (بعضی از نمایندگان - رأی رای) .

رئیس --- نسبت به پیشنهاد کفایت مذاکرات رای گرفته میشود آقایانیکه موافقند قیام کنند . (اغلب برخاستند) تصویب شد . پیشنهاد اصلاحی رسیده است که قرائت میشود .

پیشنهاد میکنم بجای مرداد و شهریور و مهر نوشته شود مرداد وشهریور . دهقان .

رئیس -- آقای دهقان .

دهقان --- تا آخر مهر تقریباً ٤٤ یا ٤٥، نمیدانم چهل ودو سه روز مانده است بعقیده بنده وقت کافی هست که بودجه کلی مجلس را تنظیم و تقدیم مجلس کنند و بنده چون دیدم که اغلب آقایان همین نظر را دارند که زود تر بودجه مجلس تقدیم شود این است که بنده می خواستم این منظور آقایان بهتر تأمین شود و فعلا ما بدو دوازدهم رای بدهیم و آقایان هم در این مدت بودجهٔ‌مجلس را تقدیم مجلس بکنند و نظر آقایان هم تأمین بشود و گمان نمیکنم که توضیح بیشتری لازم داشته باشد .

رئیس - آقای امینی .

ابوالقاسم امینی — اشکال کار ما فقط آقای دهقان، بیشتر موضوع لایحهٔ پیمانی ها است که در مجلس اجراء نکرده ایم ومنتظریم که بودجه دولت تصویب بشود وآن اشکال مارفع شود که بودجه را خدمتتان تقدیم کنیم بقیه بودجه تفصیلی مجلس زیاد اشکالی ندارد فقط در ظرف دوسه‌روز ممکن است تصویب شود وهمان طور که فرمودند فرصت داریم و درعرض - چهل‌روز کافی است که‌تهیه‌و تقدیم شودو مااگر بودجه‌رابدون رعایت لایحه پیمانی‌ها،تقدیم بکنیم آنوقت‌پیمانیهای مجلس بلاتکلیف میمانند بنابراین استدعا می‌کنم موافقت بفرمایندهمین ۳دوازدهم تصویب‌بشود برای اینکه فرصت کافی برای ماباشد .

دهقان - پس‌می‌گیرم (بعضی‌از نمایندگان- پس گرفتند) .

رئیس - رای گرفته میشود باصل گزارش (بعضی‌از نمایندگان -باورقه) آقایانیکه موافقندورقهٔ سفید خواهند داد واگر مخالفی هم باشد البته ورقهٔ کبود خواهندداد .

(اخذرأی بعمل وشروع بشماره گردید.

رئیس -آراء سفیدرا فقط‌بشمارید دیگر اسم لازم نیست بخوانید.

رضوی — اجازه میفرمائید بنده‌یك توضیح دارم عرض کنم .

رئیس - بفرمائید .

رضوی - مااغلب پهلوی‌مان کارت‌نداشتیم از این‌جهة ورقه سفیدداديم ونوشتیم موافقیم ولی یك عده‌ای درآن ورقه سفید ننوشته اند موافقم و سفید داده‌اند این‌بودکه بنده‌توضیح دادم.

حاذقی - آقای رئیس باید اسمشا همه‌معلوم باشد ازنظریاتی باید اسمشان معلوم باشد بعضی‌ها اسم‌ننوشته فقط‌نوشته موافقم .

رئیس - اگر همین‌قدر اسم‌نوشته شده باشد صحیح است .

(اوراق رأی شماره شد)

رئیس - عده حضار ۱۰۳ ، رأی دهندگان ۱۰۱ نفر .

ملك مدنی اجازه میفرمائید توضیحی عرض کنم .

رئیس - آقای ملك مدنی بفرمایند .

ملك‌مدنی - بنده خواستم عرض کنم‌مطابق سابقه ومعمول لزایح مالی باورقه رأی‌گرفته میشود وموافق باید اسمش را بنویسد و اگر کارت سفید انداخت باید اسمش‌را بنویسد وهمچنین مینویسد که موافقم ، مخالف هم بایستی یاکارت کبودبدهد ویا بنویسد مخالفم‌بااسم.بنده خواستم عرض کنم که اگر نوشته‌شده باشد موافقم بدون اسم آن رأی خوانده نمی شود .

حاذقی - آقایان سابقه نداشته اند و تصور کرده‌اند کهاگر فقط بنویسند موافقم کافی‌است.

رئیس - آقا هر کدام امضاء ندارند کنار بگذارید .

حاذقی - شماره آراء ۱۰۱ رأی بود حالا آنهائیکه امضاء ندارد جدا میکنیم .

رئیس - بلی هر چه امضاء دارد یعنی سفید امضاء دارد بشماریدباقی‌را کنار بگذارید.

حاذقی - از ۱۰۱ رأی دونفر فقط نوشته‌اند موافقم بدون اسم و امضاء ۹۹ نفر موافق‌اند .

رئیس - مادهٔ واحده باکثریت ۹۹ رأی تصویب شد .

اسامی رأی‌دهندگان آقایان : اردلان-رحیمیان جعفر کفائی - ابوالقاسم بهبهانی - مکرم - محمد هراتی - سلطان العلماء - امیر نصرت اسکندری - ملك مدنی - قبادیان - علیمحمد غضنفری - کشاورز صدر - ملکی - معین زاده باقری - هاشم وکیل - محمد ذوالفقاری - ملك‌الشعراء - دکتر فلسفی --- سزاوار - دکتر طباطبائی افشار - علی بهبهانی-اسلامی مهدی صدر زاده - ارباب کیو - قوامی - نورالدین امامی - معقلی - لاهوتی - گنجه‌ای - سیدابوالحسن حائری زاده - شادلو - ناصرالدین ناصری -بوداغیان کامل ماکوئی - فرامرزی - دکتر بقائی - دکتر معظمی - برزین - دکتر آشتیانی - مرتضی‌شریف زاده - گرگانی - ابوالفضل حاذقی - اسدی - دکتر علی امینی - محمد علی مسعودی- محمدعلی دادور - فولادوند - دکتر مجتهدی - عبدالقدیر آزاد - دکتر راجی - بانمانقلیچ - فاضلی - دکتر ملکی نواب - ساعد - سالار بهزادی - امیر حسین ظفر بختیاری - دکتر اعتبار - عزت‌الله بیات - شریعت زاده -صاحبجمع-عباس‌مسعودی-مهندس‌خسروهدایت حسن‌اکبر - دهقان- امامی‌اهری - دکترمتین‌دفتری بهادری - خسرو قشقائی - عباسی - یمین‌اسفندیاری آقاخان بختیار - حسین قشقائی - اعزاز نیك‌پی - حسن ارسنجانی - آصف - مسعود ثابتی - نبوی حسین وکیل - آشتیانی زاده - ابوالحسن صادقی - محمودمحمود - وثوق - رضوی - نراقی- امیرتیمور- حسن امامی - ابوالقاسم امینی - ابوالفتح قهرمان مهدی مشایخی - مهندس احمد رضوی - ظفری — مهدی ارباب - ناصر ذوالفقاری - منوچهر کلبادی اقبال - منصف - معتمد دماوندی .

عباس اسکندری - بنده اخطارنظامنامه‌ای دارم ، شما عدهٔ حضار را نفرمودید بنده رأی‌ندادم ورقه سفید هم‌ندادم بایددر موقع اعلام رأی‌بفرمائید عده رأی دهندگان را .

رئیس - بنده اعلام رأی کردم و عدهٔ حضاررا هم گفتم شماگوش نداده اید بعداز این آقا متوجه باشید .

رئیس - شروع میشود بانتخاب دو نفر ناظر بانك بحکم قرعه ، سه نفر برای‌استخراج آراءانتخاب میشود ،

۳ - انتخاب دو نفر نظاربانك

(سه نفر بحکم‌قرعه‌بطریق زیر تعیین‌شدند.)

آقای دکتر مظفر بقائی . آقای منکپور . آقای تقی برزین .

رئیس — انتخاب جمعی‌خواهد بود یعنی‌دو اسم روی یك ورقه نوشته میشود .

نبوی — اجازه میفرمائید قسمت آخر ماده ۹۳ نظامنامه مینویسد :

برای استخراج آراء سه نفربقرعه معین‌میشوند در انتخابات مجلس عمومی بغیر از انتخابات هیئت رئیسه بطریق ذیل عمل میشود (۲) قبلا پنجنفر از نمایندگان بحکم قرعه بایك نفر ازمنشیان‌بتعیین رئیس برای استخراج ونظارت‌آراء تعیین میشوند.

مسعودثابتی - سه نفرو پنجنفر هر دوهست اگر درخارج استخراج شود پنجنفر است این‌جاکه استخراج میشود سه نفر است .

رئیس - اینجا استخراج میشود سه نفر است (صحیح است) عده حضار ۱۰۶ نفر .

مسعودی- عده حضار چند نفر بودآقا .

رئیس — عدهٔ حضار۱۰۶ نفر بود چندنفر دیگر هم بعد آمدند .

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمد ونتیجه بقرار ذیل اعلام گردید:)

رئیس -- آقای دکتر معظمی بااکثریت ۶۰ رأی وآقای نراقی با۵۱رأی برای ناظر بانك‌تعیین شدند (بعضی ازنمایندگان - ۵۱ رأی‌کافی‌نیست)

رئیس - بنابراین نسبت‌بیك نفر دیگربایستی تجدید انتخاب شود ، آقای دکتر بقائی هم ۴۰ رأی و آقای گنجه ای نیز ٤٤ رأی داشتند، شروع میشود بانتخاب یکنفر دیگر .

دکتربقائی -- بنده یك تذکری دارم و از آقایان نمایندگان خواهش میکنم که بجای بنده‌اسم

آقای گنجه ای را بنویسند (صحیح است) - (نورالدین امامی - حالا نمیشود آقا)

فولادوند - بنده هم خواهش میکنم‌بجای بنده به‌آقای نراقی رأی بدهند (صحیح است)

رئیس - آقای دکتر بقائی آقـای برزین آقای ملکپور بفرمائید برای استخراج آراء.

(اخذ واستخراج آراء بعمل آمد ونتیجه‌بقرار زیر اعلام گردید:)

رئیس - عده حضار ۱۱۱ نفر رأی‌دهندگان ۱۱۰ نفر.

محمدعلی‌مسعودی - تابلو که ۱۰۷ نفر نوشته شده است.

رئیس - یکعده دومرتبه اضافه شدند ۱۱۰ نفر رأی داده اند شما هردفعه ملتفت نمیشوید، آقای نراقی با اکثریت ۵۸ رأی انتخاب شدند آقـای گنجه ای هم ۴۳ رأی داشتند.

۴ - تقدیم ورقه سؤالیه نسبت برئیس دولت ازطرف آقای کشاورز صدر

رئیس - سئوالی آقای کشاورز صدر راجع بآب هیرمند از رئیس دولت کرده اند که برای ایشان فرستاده میشود.

۵ - تصویب یك فقره اعتبارنامه و طرح یك فقره دیگر

رئیس - اعتبار نامه آقای اسدی مطرح است وآقای اسلامی استرداد کرده اند مخالفت خودشان را قرائت میشود: (بقرار زیر قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس - چون مخالفت این جانب بااعتبارنامه آقای سلمان اسدی مربوط بطرز انتخاب‌ایشان‌نبوده بلکه ناشی‌ازشکایاتی که‌بازرگانان وکارگران مازندران ازجریان معاملات وامور بانك صنعتی بویژه کارخانجات شمال داشته اند بوده و بهیچوجه غرض و یا نظر شخصی نداشته ام - نظر باینکه پس از بررسی کاملی که در این چند روزه نمودم این معاملات‌تنها مربوط بایشان‌نبوده وازطرفی عده بیشماری از نمایندگان محترم و مدیران جراید خواستار شدند که مخالفت خودرا مستردارم ازاین جهة باحفظ بیان وایراد این‌اعتراضات نسبت‌بمعاملات وامور بانك وعرض‌جریان شکایات مازندرانیهادرموقع طرح‌برنامهٔ دولت ،مخالفت خودرابدین‌وسیله‌استرداد مینمایم. بتاریخ ۱۷شهریور ۱۳۲۶.

رئیس - رأی گرفته میشود بنمایندگی‌آقای اسدی ازمشهد آقایان موافقین قیام کنند. (اکثر برخاستند) تصویب شد. اعتبارنامه آقای ارسنجانی مطرح است آقای ناصر ذوالفقاری بفرمائید.

ناصر ذوالفقاری — آقای ارسنجانی جوان تحصیل کردهٔ هستند و بنده هم برای‌احترام نسبت بهر تحصیل کرده‌ای نمیبایستی با اعتبارنامه ایشان مخالفت کنم. من خداوند ووجدان را گواه میگیریم که در این‌مخالفت کوچکترین غرض‌شخصی را راه نداده‌ام و خودآقای ارسنجانی بهترمیدانند که تا قبل از انتخابات مجلس با ایشان کوچکترین آشنائی و تماسی نداشتم تاتصور فرضی در اینمورد بشود البته لازم بتذکر نیست که‌محرك‌اینجانب‌دراین مخالفت‌فقط و فقط عشق وعلاقه کامل بحفظ مصالح وطن عزیز خود ایران‌است. (صحیح است)

اینجا مقدس ترین محل اجتماع نمایندگان‌ملت یعنی عامه مردم است و هیچکس نباید حتی در مغز خود خطور دهد که جز از نظر منافع وخیر عموم باب صحبتی باز کند یا سنك اغراض و منافع خاص و نا مشروعی را بر سینه‌بکوبد.

بنا بر این تصمیم گرفتم که با اعتبارنامهٔ آقای حسن ارسنجانی مخالفت نمایم و چون این مخالفت را کاملا در نفع ملت ایران و آینده آن تشخیص داده‌ام توجه عالی نمایندگان محترم را بکمك‌میطلبم و از این نظر که یك وظیفه مقدسی را انجام‌میدهم انتظار دارم ولو برای ضبط در سینه تاریخ هم شده است بمن اجازه بدهند عرایضم را مشروحاً بعرض برسانم.

اعتراضات اینجانب نسبت بآقای ارسنجانی و در نتیجه نسبت باعتبارنامهٔ ایشان تحت عناوین‌زیر تقدیم میشود:

۱ - اعتراض بجریان‌انتخاب ایشان‌از لاهیجان.

۲ - اعتراض بصلاحیت ایشان.

جریان انتخاب ایشان

آقای ارسنجانی اسماً اهل‌یکی ازنقاط جنوبی ایرانند و فامیل ایشان در حوزه ساوجبلاغ شهریار است و تا قبل از شروع انتخابات حتی یك بار هم بلاهیجان نرفته‌بودند. درآنجا سوابق‌اقامتی‌نداشتند تصور اینکه ایشان در لاهیجان معروفیتی داشته‌اند و علت انتخابشان معروفیت مزبور بوده است تعجب آوراست، معروفیت یك شخص در ایران چه وقت پیدا میشود. وقتیکه آن‌شخص در آن مکان‌اقامت طولانی داشته باشد یا اینکه بسبب مشاغل و مناصب بزرك مملکتی کسب شهرتی کند. آیا آقای ارسنجانی قبل از انتخاب‌وکیل‌بوده‌اند،وزیربوده‌اند، نخست‌وزیر بوده‌اند، استاندار و یا فرماندار یاحتی بخشدار وشهردار جائی بوده‌اند، صرف اینکه‌در طهران روزنامه‌ای منتشر میکرده و سنك عقاید مختلفی را بسینه میزده است‌آیا دلیل معروفیت‌ایشان آنهم در نزد اهالی لاهیجان که لا اقل‌صدی‌نودآنان سواد خواندن کتب‌فارسی‌ابتدائی‌را ندارندبوده‌است؟! آیا اگر بنا بود این معروفیت آنهم بعلت روزنامه نگاری آنهم یکنوع روزنامه نگاری ابهام آمیز موجب انتخاب شود چرا پس اهالی ساوجبلاغ و در مرتبه دوم اهالی پایتخت که از نظر همشهری گری یا از لحاظ رشد فکری آقای ارسنجانی را بیشتر میشناختندچنین غنیمتی را نربودند!

اگر بنا بودکه‌صرف معروفیت حاصل‌ازروزنامه نگاری موجب انتخاب شود الحق در این مملکت روزنامه نگاران معروف و نویسندگان و خطبای شهیردیگری بودند که برآقای ارسنجانی حق تقدم داشتند.

شایسته تر، فاضل تر، مشهور تر، معروفتر از آقای ارسنجانی در صفحات شمال خصوصاً در لاهیجان بسیار بودند. بودند جوانان وطن پرست خوش سابقه فاضلی که بخانه خود رواتر بودند تا به مسجد.

در مرتبهٔ دوم معروفیت ایشان با تفاصیلی که بعداً بعرض‌خواهد رسید یك‌سوء معروفیت بوده است. این چه معروفیتی است که حتی شعبه مربوطه مجلس که‌از عده‌ای رجال بصیر تشکیل‌شده‌است نتوانسته‌اند در اطراف آن قضاوت کنند.

از شامپیرسم معروفیتی را که حتی‌نمایندگان مطلعی در آن تردید نمایند معروفیتی که نتیجه چند صباح روزنامه نگاری مشکوك بوده و برای‌مردم پایتخت نیز قابل هضم نیست چطور برای یك مشت مردم بیسواد و بیچاره لاهیجان قابل هضم میباشد؟ وانگهی ایشان سن خود را با پشت هم اندازی‌بالا برده و متهم بکلاهبرداریهای زیادی هستند که فعلا بجزئیات آن وارد نمیشوم. همینقدر عرض میکنم که اهالی لاهیجان و صفحات شمال بی اندازه ازانتخاب آقای ارسنجانی متعجب و ناراضی هستند.

عدم صلاحیت ایشان تحت عناوین زیر بعرض خواهد رسید:

اقدام برعلیه قانون اساسی و بی اعتنائی و عدم اعتقاد نسبت بمظاهر مختلفه آن.

برای اینکه ذهن نمایندگان محترم روشن‌شود قبلا اجازه فرمایند که‌چند سطری از شماره ۳۰۶ مورخ ۱۴ر۱ر۲۵ روزنامه‌داریارا قرائت نمایم.

« قانون‌اساسی‌ایران که‌یك قانون کهنه‌ودارای مواد ارتجاعی و غیر قابل هضم برای اجتماع کنونی ملت ایران است بدون تردید باید تغییر داده شود هنگامیکه بیانیهٔ حزب ما یعنی حزب آزادی منتشر شد مطالب آن بقدری‌منطقی بود که علاوه برصحت و توجه مردم اصلاح طلب و آزادیخواه مورد توجه جهانیان نیز قرارگرفت انتشار این بیانیه از رادیو پاریس و تذکر این نکته که تغییر قانون اساسی‌در ایران طرفداران زیادی پیدا کرده است نشان می دهد که خارج‌ازمحیط‌ایران نیز این فکرطرفدارانی پیدا کرده‌است.»

باید عرض کنم که شخص وقتی بنحوی ازانحاء و علناً بطریق غیر قابل انکاری برعلیه اصولی که مورد احترام و جزء پایه های اساسی عقاید آن‌قوم است وارد مبارزه‌شود و کلیات و جزئیات آن‌اصول را خورد و خمیر ساخته سعی کند مظاهر اصول مزبور را در انظار پوچ و خالی از اعتبار و غیر ضروری جلوه دهد و برسر زبانها افتد تصدیق می فرمائید که چنین شخصی با چنین اوصاف وسوابق غیر قابل تردید نباید و نمیتواند در عین حال و بنحوی از انحاء مجدداً مدافع همان اصول گرددو جزئیات‌وکلیاتی راکه یکبار با شدت رانده است‌بار دیگر حسن استقبال نماید.

اگر نخواهیم که خویشتن را بافراط دربدبینی متصف ساخته باشیم لا اقل باید تغییر روش چنین شخصی را با شك و تردید تلقی نمائیم نه آنکه بی مهابا عنان حفاظت و حراست و نگاهداری اصول مزبور را دردست شخصی‌قرار دهیم که بکرات‌نسبت بچنان اصولی بی اعتنائی کرده و علناً بر علیه آن قیام نموده است.

باید بخاطر داشت که وقتی میتوان تغییر روش چنین شخصی را با نظر اغماض نگاه کرد که موضوع جنبهٔ شخصی داشته باشد مدعی خصوصی میتواند هر وقت‌که بخواهد از حق خودصرفنظر نماید ولی اینجا مجلس است، مجلس ملت ایران، مجلسی که بعموم تعلق دارد و هرگز مختارنیست‌که درمناسبات خود با ملت ایران از این

قبیل ملاحظات خصوصی‌را منظوردارد. آقای حسن ارسنجانی که‌اکنون‌بعنوان‌حافظ‌قانون‌اساسی‌ایران‌بر صندلی محافظین اصول‌مقدسه مزبور تکیه زده‌اند، آقای ارسنجانی‌که امروز خویشتن را درقالب سپر محافظین قانون اساسی اینجا جازده‌اند، متأسفانه روزی باشدت وحدت و بی رحمی بر فرق مقدسات قانون اساسی نواخته اند ۰۰۰۰۰ روزی کبریتی بوده‌اندکه بر علیه‌مظاهر قانون اساسی آتش‌روشن میکرده وشعله‌باطراف واکناف میفرستاده‌اند.

چقدر اشتباه است اگرما امروز حضور آقای ارسنجانی را دربین خودمان مرهون لطف مجددو تغییر عقیده ایشان در بارهٔ قانون اساسی کشور بدانیم ۰۰۰۰ وچه رسوائی تاریخی بار می آورد اگرمافریب‌چنین تظاهری رابخوریم‌وعنان‌نگاهداری قانونی را که مورد بغض ایشان است بدست ایشان بسپاریم ۰۰۰ برای‌ایشان شکر این نعمت بس که برای مخالفت با قانون اساسی در محکمه قانونی محاکمه نشده‌اند ۰۰۰ برای ایشان‌شکر این‌اغماض بس که بجای سکونت درکنج تاریك زندان‌هرلحظه بعنوان پیشوائی‌ورهبری وروزنامه نگاری‌جلوه‌گری میکنند ۰۰۰ برای ایشان وبرای ملت‌ایران ازحد تصور خارج است که این عنصر متلون و مرموز بخواهد تکیه برمسند مدرسها و دیگران که جانشان را در راه تحصیل و حراست قانون اساسی نهادند بزند ۰۰۰ برای ایشان که باب انتقاد وحمله‌بقانون اساسی را باگستاخی بی نظیری شاید برای اولین بار بازکرده‌اند بسیار زیاد است‌که امروز در بین شما بنشینند تابظاهراز پیکری که ازدست خودشان زخم دیده است پرستاری نمایند.

دورهٔ روزنامه داریا اکنون درکتابخانه‌مجلس است وبرای مراجعه ومطالعه‌همه آقایان نمایندگان حاضر است.

بنده برای اینکه وقت آقایان نمایندگان‌محترم را نگرفته باشم تنها باستخراج مطالب مختصری از دوره های روزنامه مزبور مبادرت کرده‌ام ولی باید دانست که سرتاسر روزنامهٔ داریا باچنین افکاری آلوده بوده واز خلال هر سطرآن بوی مخالفت و تحریك واعتراض واخلال وآشوبگری‌بمشام‌میرسد.

آنها که‌با فن روزنامه‌نگاری ومقررات مربوط بآن آشنائی دارند میدانند که هیچ‌مطلبی در هیچ روزنامه‌ای نباید نوشته‌شود مگرآنکه قبلا بنظر تصویب‌مدیر مسؤل آن رسیده باشد آقایان‌روزنامه‌نگارانیکه امروز اینجا تشریف‌دارند میدانند که مدیران جراید تا چه حد مواظب کنترل مطالب روزنامه خود میباشند و چه اندازه مقیدهستند که مطالبی برعلیه لا اقل تمایلات شخصی خودشان در روزنامه شان نوشته نشود... همه مسبوقند که مسؤل خوب وبد هر روزنامه‌ای چه از نظرمقررات قانونی و چه از نظر عرف متداول نویسنده مطالب و شخص مدیر مشترکاهستند و هرگز درهیچ‌مرجعی عذر مدیر مسؤل را برای فرار از عواقب‌مندرجات روزنامه بقلم هرکس که باشد نمیپذیرند و حقاً هم نباید بپذیرند.

با توجه باین نکات شرم دارم از اینکه عرض کنم آقای حسن‌ارسنجانی مدیرمسؤل روزنامه‌داریا و روزنامه های دیگر که بمحض توقیف بجای آن منتشر شده است غیر از مقالاتیکه بقلم خودشان بر علیه قانون اساسی ایران می‌نوشته‌اند اجازه‌داده‌اند دیگران نیز سلسله مقالاتی تحت عنوان خیره کنندهٔ « قانون اساسی ایران باید تغییر کند » در چندین شماره مسلسل روزنامه داریا بچاپ‌رسانندوخواستار تغییراتی در همه مظاهر و شئون‌قانون اساسی مانند مجلس ومقام منیع‌سلطنت وغیرذالك‌شوند.

آیا این خنده‌آور نیست‌که چنین عنصری‌امروز خویشتن‌را از روی تظاهر حامی وحافظ وسپرقانون اساسی معرفی‌نماید!

این توهین‌را من شخصاً نمیتوانم بپذیرم‌که یك عنصر خواستار تغییر قانون‌اساسی در مأمن ومکمن این قانون بنشیند و بریش‌ما وملت‌ایران بخندد.

با دقت درمطالبی‌که بعرض رسیدملاحظه‌میشود که جای هیچ نوع دفاع برای ایشان وهیچ تردیدی برای نمایندگان محترم باقی نگذاشته است. ممکن است بعضیها که احتمالا با ایشان برسرلطف‌هستند اینطور بفرمایندکه نامبرده بعداً تغییر عقیده داده و اکنون نسبت بقانون اساسی و مظاهر آن مانند مجلس و مقام سلطنت وفا دارند و سوگند هم یاد خواهند کرد (گرچه‌ایشان‌بسوگندیهم که‌قانون‌اساسی مقرر کرده‌است‌طبق‌همان‌سلسله‌مقالات‌معترض‌هستند.) ولی مانعی ندارد که ما در خوش‌باوری بی‌اندازه افراط کرده واین قول‌را بپذیریم اما قبلالازم‌است قبل‌از آنکه برای تغییر عقیده ایشان دلیلی بتراشیم وقبل‌از آنکه خویشتن را تسلیم خوش‌باوری‌وسهل انگاری سازیم لاوم است بجرمی‌که ایشان‌مرتکب شده‌اند رسیدگی‌نمائیم.

باید ایشان اول بسزای اقدام وتبلیغ برعلیه قانون اساسی برسند تابعد نوبت عذر خواهی ایشان واغماض نمایندگان برسد، این مسخره‌است‌که ماقاتل عمدی‌را باین بهانه‌که بعداز قتل اظهار ندامت‌نموده وقول داده است‌که دیگر آدم نکشد رها کنیم وبر مسند قضاوت نیز بنشانیم. همه‌آدم‌کشها بعداز قتل اظهار ندامت میکنند ولی دستگاه‌قضائی‌هرکشوری قبل‌از هرچیز بموضوع قتل‌رسیدگی میکنند نه‌باظهار ندامت قاتل.

ممکن است آقای ارسنجانی بفرمایند که ایشان وحزب آزادی ایشان تغییر قانون اساسی و لزوم تشکیل مجلس مؤسسان را برای حل مسئله آذربایجان میخواستند باید ازایشان پرسیدکه پس ایجادنارضایتی‌دربین مردم وایجاد حوادث‌آذربایجان و تحریك باغتشاش را دربین ملت بچه منظوری میخواستند! آیا حالاهم‌که صندلی حفاظت قانون اساسی را غصب کرده‌اند درآن عقیده یافشاری میکنند وآیا برای سالهای بعد خیال ندارند در راه تغییر قانون اساسی باز زمینه مساعدی، برای پیش‌آمدهائی از قبیل‌پیش‌آمد آذربایجان فراهم‌آورند! یااینکه ایجاد حوادث آذربایجان وافکار افراطی و لزوم تغییر قانون اساسی و لزوم تشکیل مجلس مؤسسان را فقط و فقط بخاطر تحمیل نمایندگی مجلس شورای ملی‌ایران میخواستند. حال میخواهم مختصری هم راجع بعدم ثبات ایشان‌که درروشهای سیاسی واجتماعی داشته‌اند وباسرنوشت مملکت در لباسهای مختلف بازی کرده‌اند بعرض برسانم. راجع باین نکته باید عرض کنم‌که شخصیت هرکس‌را از مطالعه درسوابق‌او تشخیص میدهند. غیرممکن‌است که‌در باره اشخاص بدون درنظرگرفتن سوابق‌آنان قضاوت شود.

اگرما نخواهیم انحرافات وتغییر روشهای‌بی‌حد وحصر سیاسی و اجتماعی اشخاص را پایه و مبنای قضاوت درباره ایشان بدانیم هم‌بخود وهم باجتماع خیانت کرده‌ایم. اگر مخصوصاً برای ما این نکته روشن شودکه بعضیها بخصوص روی مطامع پستی هرروز رنگی وعقیده‌ای میپذیرند واگر چنین پیش آیدکه چنین عناصری بخواهند در تعیین سرنوشت اجتماع نیز رل عمده‌ای بگیرند آنوقت دیگر چشم پوشی‌واغماض‌خیانت‌درخیانت‌است. اگرمخصوصاًمعلوم شودکه یك‌جوان بیست سی ساله از شهریور بیست باین طرف یعنی درعرض ۶ سال بیش‌از شش رنك مختلف و ضد و نقیض وکاملا متباین بخودگرفته و هزارقسم‌خودنمائی‌وخودفروشی کرده‌است‌دیگرسهل انگاری‌وفراموشی‌خیانت‌در خیانت درخیانت است.

اگر نخواهیم ونخواهندکه چنین عنصری دست کم‌از جامعه رانده‌شود.. اگرنخواهیم‌که اوبگناه این‌همه تقصیر محاکمه واعدام شود.. واگربعکس اجازه بدهیم‌که‌او باتمام این سوابق عنوان‌نمایندگی ملت‌را هم غصب کند آنوقت دیگر هزار بار خیانت است.

آقـای حسن ارسنجانی که امروز در لباس نمایندگی مجلس شورایملی وبا رنك بسیار آرام و معتدل ومحافظه‌کار درگوشهٔ لمیده‌اند درسال ۳۲۰ بااسم مستعار دکتر داریا برای اولین مرتبه در روزنامه نبرد خودنمائی کرده. آنهاکه مقالات‌آنروز ایشان را خوانده اند مسبوق هستندکه صفت ممیزهٔ نوشته‌های آقای ارسنجانی حمله بسیارشدید بمتفقین و در نتیجه تضعیف تبلیغات آنان در دوران جنك برعلیه آلمان بود که اگرمقالات آقای دکتر داریا از دول محور مستقیماً حمایت نمیکرد ولی کمك‌شایانی بود بتبلیغات نازیها درایران.

طولی نکشیدکه همین آقای دکتر داریاباچاپ مقاله‌ای در روزنامه مردامروز وپیشنهاد ورودایران در جنك برعلیه آلمان یك سرو صدای عجیب براه انداخت و این درست در موقعی بود که هم ایشان وهم سایر دوراندیشان شکست‌آلمان‌راحتمی و نزدیك میدیدند.

بتدریج سرو صدای آقای دکتر خوابید تایك روز معلوم شدکه ایشان سن‌خود رابالا برده وامتیاز روزنامه‌ای بنام داریا گرفته‌اند... ازهمان روزهای اول‌مقالات ایشان راجع‌به‌نفت باگراورهای‌مخصوص جلب توجه ودقت کنجکاوان واهل فن را میکرد و کمتر شماره‌ای بود که ایشان بموضوع نفت اشاره‌ای نکنند. کسی چه میدانست شاید ایشان بقول یکی ازنوشته های خودشان از همانموقع خطراتی را که برای ایران پیش میآمد میدانستند و اطلاع داشتند وهمانطور که‌در شماره ۷۷داریا ضمن تصدیق‌این که‌مردم نیز در باره روش روزنامه ایشان مشکوك هستند توضیح دادند که‌بیست روز قبل ازپیدا شدن موضوع نفت جار و جنجال برپا کرده و افتخار شرکت دریك جنجال بین‌المللی‌رابدست آورده‌است. فعلا نیز نمایندگان محترم اطلاع دارند که‌رادیوهای بیگانه بهمان‌قبیل انتشارات استناد میجویند.

اگر دورهٔ روزنامه داریا رااز روزاول انتشار تاروزی که ایشان به حزب دمکرات ایران پیوستند مورد مطالعه دقیق قراردهیم چندین مرحله مختلف و مخالف در افکار و عقایدشان بخوبی تشخیص خواهیم داد .

تامدتی که حزب توده و شورای متحده رونقی نداشت او استقبالی ازتشکیلات آنان نمیکرد و در این بین باصطلاح رل بیطرف بازی میکرد و همچنان سرگرم جنك نفت بود .

بعداً به پیروی ازمقاصد پست ویاهر مقصددیگری که از مردم مخفی نیست و محرك ایشان بوده است آقای ارسنجانی شدیداً متمایل بهرامهای دست چپ افراطی شدند .وروزی نبود که روزنامه ایشان افکار انقلابی وافراطی ومخصوصا افکار کمونیستی راانتشار ندهد ...بحث هائی که آن مواقع بقلم بعضی نویسندگان کمونیست وخود ایشان طبع ونشر میشد در کمال وضوح وصراحت دلبستگی شدید آقارا بافکاروروش های اقتصادی و افراطی اشتراکی مجسم میساخت تاجائی که توده‌ای ها ایشان را نصیحت باعتدال می کردند .

آقای ارسنجانی مبارزات طبقاتی راکه حالامخالف آن شده‌اند یاتظاهر بمخالفت میکنند ، آنروز ها در ایران دامن میزده وباانتشار مرتب ومنظم افکارمارکسیستی افکاررارو باغتشاش وهرج ومرج سوق میدادند وجرمی منطبق باماده ۶۹ و ۷۰ قانوی مجازات عمومی که میگوید «هر کس اهالی مملکت را صریحاً تحریض بمسلح شدن برضد حکومت ملی بنماید محکوم به حبس مجرد از ۳ تا ۵ سال خواهد بود و اگر تحریض او مؤثر واقع نشده جزای او از ۶ ماه تا ۳ سال حبس تأدیبی است» «هر کس اهالی را بجنك و قتال با یکدیگر اغوا و تحریك کند که موجب قتل در بعضی ازنواحی گردد محکوم باعدام است و اگر تحریکات فقط باعث نهب و غارت گردد جزای او از ۳ تا ۵ سال حبس با اعمال شاقه است و درصورتیکه تحریکات او مؤثر واقع نشده باشد محکوم به تبعید است »

برای اینکه سعی ایشان در ایجاد و توسعه مبارزه طبقاتی ایران برآقایان نمایندگان محترم معلوم شود خواندن این جمله از مقاله‌ای که در روزنامه داریا بچاپ رسیده است جالب توجه است .

« برای طبقه کارگر مذهب و ملیت مهم نیست بلکه از کدام طبقه بودن آن افراد واجداهمیت است.» کم کم عقربه افکار و عقاید ایشان از چپ چپ تر رفت تاوقتیکه بامختصر حرکتی باگردش عقربه افکار و عقاید حزب توده و شورای متحده همآهنك وهم سفر گشت .

در اینجا یك مرحله بسیارمتناقض دیگر آقای ارسنجانی در راه برانداختن اساس مشروطیت واستقلال ایران شروع میشود .

ایشان عنان فکر و عقل و قلم را در دست حس جاه طلبی و شهرت خواهی و مطامع پست دیگر نهاده بود چشم بسته از دنبال آن میرفت و دلیلی نداشت در موقعی که پیشه‌وری همکار و هم اطاق و هم فکر سابق او در آذربایجان برعلیه قانون اساسی و ملیت و تمامیت ایران قیام کرده بود او ساکت بنشیند . دلیلی نداشت حالا که پیشه‌وری افکارانقلابی وافراطی وکمونیستی خود وآقای ارسنجانی ورفقای دیگر را عملی میکرد ودست بشورش و طغیان زده بود آقای ارسنجانی آرام بنشیند ورل نعش بازی کند واز کاروان باربسته و مجهز آنروز بازماند.

مردم تخمی راکه میکارند بامید برداشت محصول آن دقیقه شماری میکنند چطور ممکن بود آقای ارسنجانی بعد از پراکندن تخم نفاق و نارضایتی و تمرد نسبت بدولت و مرکزیت وقانون اساسی بیکار درگوشهٔ کافه فردوس بنشیند ولی روشنفکران هم میز و هم صحبت او غنائم را تقسیم نمایند . بالاخره میبایستی آنهمه انتشارات مارکسیستی و اشتراکی و انقلابی روزی برای آقای ارسنجانی نتیجه دهد میبایستی روزی آنهمه دشنام و هتاکی نسبت بمظاهر ملی غنیمتی بارآورد مگر نه ایشان در شمارهٔ مخصوص هفتم دیماه ۱۳۲۴ موقع شروع غائله آذربایجان نوشته بودند « برپا خیزید ای ستم کشان . برای قیام آزادیخواهان برعلیه دستگاه پوسیده استبدادی ومیلیتاریستی هیچ زمانی مناسب تر از امروز نیست ستم کشان ایران باید بپاخیزید و ازجریان سریع و مساعد حوادث بنفع نهضت آزادیخواه خوداستفاده کنید . . . گذشت آنروزیکه فریاد آزادیخواهانه ملت ایران را سرنیزه قزاق های دربار ایران خفه میکردند...امروز فریاد آزادیخواهانه مارا ملل دنیا جواب میدهند همه باما هم صدامیشوند همه قیام مارا باچشم تحسین مینگرند . »

مگرنه ایشان سربازان وافسران و ژاندارمها را تحریك به نافرمانی میکردند . مگر نه فرار سربازان وافسران را میستودند وحمایت میکردند . مگر نه سران ارتش را برده وفرمانبردار بیگانگان معرفی میکردند ومگر نه سربازان وافسران فراری مزبور بسوی پیشه وری میشتافتند درچنان صورتی چطور ممکن بود آقای ارسنجانی که مرتب بوسیله نامه وقاصد وپیغام بامتجاسرین همفکری وهم آهنگی داشت ساکت بنشیند ؟ چطور ممکن بود ایشان که در برافروختن چنان آتش سهمناکی سهم عمده را بازی کرده بودند بی نصیب بماند . بدیهی است میبایستی جلسات مجرمانه ایشان باامثال سروان روزبه وعلی اصغر وزیری وسرهنك مهتدی وخیلی ازافسران فراری وعده ای دیگر ازآشوبگران نفعی برساند .

ناچار اوهم طبق مأموریتی که داشت بیشتر و بیشتر راند تا باخذ مدال ۲۱ آذر موفق گردید (ارسنجانی - آفرین ، آفرین) وسپس دردفاع از منویات پیشه وری مقالات متعددی نوشت که ازجمله (یکی راه حل مسئله آذربایجان بود) ومقاله دیگری بعنوان فشار اقتصادی ومالی . همین آقا که اینروزها قلم را بااحترام بنام ارتش وشاهنشاه و شهربانی و ژاندارمری برروی کاغذ میگذارد وبهمه درودمیفرستد وبمخربین بنیان ارتش آنروز نفرین میگوید وتشر میزند یکروز خود از بزرگترین و شاخص ترین سردستگان مخرب ارتش و نظم مملکت بود . برای اینکه بدانید چه کسانی آنروز پایه های ارتش را برای آماده کردن افکار افراطی وتجزیه طلبی سست میکردند وسربازان وافسران و ژاندارمها را بتمرد وطغیان وفرار وامیداشتند اینجانب در کمال تاسف قسمتهای جالب توجه مقاله بالا بلندی را که بقلم آقای حسن ارسنجانی درشماره ۶۷ مورخ ۲۷ بهمن - ۲۴ روزنامه داریا تحت عنوان ممیزه و تحقیر آمیز «ارتش پایه دار است» که دوسه ماه قبل ازشروع غائله آذربایجان نوشته اند میخوانم :

ارتش پایه‌دار است ، زنده‌باد دولت . روز ۲۳ بهمن کلوبهای احزاب آزادیخواه ومرتجع ازتحت تصرف ژاندارمها درآمددرطی مدتی که کلوب حزب توده ایران و اتحادیه کارگران تحت تصرف غاصبانه ژاندارمها بود مهاجمین مانند قشونی که بکشور دشمن وارد می شود ازهیچ نوع خرابی خودداری نکردند کسیکه ۵ ماه پیش کلوب مرکزی حزب توده واتحادیه کارگران رادیده باشدوامروزهم ببیند حیرت زده میشود حیاطهای نظیف ، اطاقهای تمیز، درودیوار رنك شده که نشانه صمیمیت وحسن سلیقه کارگران وایمان آنها به تشکیلات خودبود امروز تبدیل بخرابه‌هائی شده است سرنیزه ژاندارمها درهارا مورد اصابت قرارداده، روشوئی اتحادیه کارگران موردغضب قرارگرفته و باقنداق تفنك شکسته شده ، شیشه اطاقها مورد نفرت آنها بودو همه ریز ریز گردیده سقف اطاقی که براثر نروبیدن برف پائین آمده تیرهای آن مورد استفاده قرارگرفته وهمه‌را سوزانده‌اند .روزنامه ظفر ارگان رسمی اتحادیه کارگران ، روزنامه رهبر ارگان رسمی حزب توده ایران ، روزنامه داریا فراوان در هرگوشه زیرگل وخاك دیده میشود دیك ژاندارمها باتیر سقف ،چوب صندلی ومیزاتحادیه وروزنامه‌های مزبور گرم میشده است. هیچ ارتش دشمنی وقتی بکشور متخاصم وارد میشود اینگونه فضیحت بار نمیآورد ، اطاقی که مرکز تصمیمات رهبران کارگران دلاور بود تبدیل به‌عزب خانه افسران ژاندارم گردیده و طبق اظهار کاسبهای اطراف هرشب ژاندارمها برای افسران خودزنهای هرجائی میآوردند وهنگام ورود ژاندارمها پیش‌فنك کرده وسایل راحتی و آسایش افسر خود را در اتاق تصمیمات اتحادیه کارگران فراهم میکردند.صدوپنجاه پرچم اتحادیه راژاندارمها بمصرف پیراهن خود رسانیده اند ازشش پرچم ایران چهار پرچم را برده اند و دو پرچم را با سر نیزه پاره کرده‌اند .تابلوی رنگی استالین روز لت و چرچیل مورد حمله ژاندارمها قرار گرفته و مسلماً بدستور افسران آنها صورت استالین و روزولت بوسیله سرنیزه پاره شد ولی چرچیل باکلاه پوستی خود سالم مانده)خنده نمایندگان) نمیشود گفت این عمل اتفاقی بود یا این که ژاندارمها بعقل خود اینکار را کرده اند زیرا ژاندارم بیسواد بدبخت چه میداند چرچیل کیست ، افسر او شاید بدستور مقامات بالاتر یا برای خوشرقصی دستور داده است که صورت استالین و روزولت را مورد اصابت سرنیزه قرار دهند . کارگر باشرف و پر حرارتی باعلاقه تمام و با تاثر شرح غارت آرشیو اتحادیه رامیداد. در اطاق روزنامه ظفر ارگان رسمی شورای متحده مرکزی کارگران همه چیز بهم ریخته بود قنداق تفنگ شیشه ها را خرد کرده میز ها را شکسته ، اوراق را پاره کرده است وقتی انسان چشمش بدر و دیوار شکسته و بهمریخته کلوب اتحادیه میافتد بی اختیار تکان میخورد این شکستگی ها ، این خرابیها ، این فضاحتها نمونه هائی از وحشیگری مستبدی قرون وسطائی میباشد. ژاندارمهای نجیب و با شرف از تمام این بنایك اطاق راکه مورداستفاده خودشان بوده است تمیز نگاهداشته اند . بقیه‌دارد